



آینده را بسازید

رهبر انقلاب در دیدار فرهنگیان با تأکید بر آینده‌ساز بودن معلمان: علم نافع است که استعداد‌های نوجوان و جوان را شکوفا می‌کند و با سرمایه‌سازی برای آینده‌ها موجب پیشرفت کشور می‌شود



تصویر

در جهانی که هر کس، چه شرق چه غرب، زور می‌گوید نسل آینده باید ارزش و اهمیت‌ استادگی را از هم‌اکنون بیاموزد تا در پرتو این آموزه‌ها تمدن‌ساز شود و ملت و کشور را عزتمند سازد

عکس Leader.ir

تیتراهای امروز

بر اساس اطلاعیه ستاد تنظیم بازار فرآیند تعدیل قیمت‌ها همزمان با اجازه برداشت یارانه کمک معیشتی کلید خورد

آغاز برداشت یارانه جدید

صفحه ۳

وزارت اطلاعات از بازداشت ۳ تبعه اروپایی خبر داد

ضریه به سازمان آشوب

صفحه ۳

مجلس به ایران خودرو و سایپا ۳ روز فرصت داد نقشه راه خود را در راستای ارتقای کیفیت و رضایت مردم ارائه کنند

طرح دولت برای واردات خودرو

صفحه ۳

طلایی شدن «یوسفی» و یادی از مربی «ستاره‌ساز» و زنده‌برداری ایران

آخرین تیر پیرمرد

صفحه ۶

ضمیمه طنز راه راه
۱۹۷
۴۰ میلیون ایرانی دسترسی به کتابفروشی ندارند
یار مهربان بالانشین

صفحه ۵

نگاه

روایتی از دیدار معلمان با رهبر انقلاب روزی که باعث شد به معلم بودن افتخار کنم

سیدعلی موسوی کشمیری:
از شدت هیجان بعد از نماز صبح نخواستیم، هر چند دقیقه یک بار ساعت را نگاه می‌کردم. دست آخر هم بی‌طاعت شدم و زودتر حرکت کردم. در مدت زمانی که منتظر بودم تا ماشین برسد، به نقشه داخل تلفن نگاه می‌کردم. مقصد مرکز شهر بود. حسینی به مقاصد می‌رفت (ره) و موضوع دیداری که قرار بود در لباس یک معلم با رهبر انقلاب داشته باشم. به فکر فرو رفتم که واقعا چند رهبر در دنیا وجود دارند که وسط شهر و در آن شلوغی‌ها زندگی کنند. تصویر کاغذی رؤسای جمهوری و پادشاهان کشورهای غربی که مدعی دموکراسی هستند به ذهنم خطور کرد و لبخندی بر لبم آمد. بخش‌هایی از مسیر ترافیک سنگین بود و با آنکه چند ساعت زودتر از موعد حرکت کرده بودم، باز هم نگران بودم نکنند حتی لحظهای دیر برسم. ساعت ۸:۳۰ به خیابان شهیدکشوردوست رسیدم. از ماشین پیاده شدم. به گیت‌های ایست بازرسی خیره شدم. بوری نمی‌کردم قرار است تا دقایقی دیگر از آنها عبور و دیداری را تجربه کنم که برایم شبیه رؤیا بود است. حدود ساعت ۹ وارد حسینه شدم. تقریبا جزو نخستین حاضران حسینه امام خمینی (ره) بودم. باز هم تصاویر سالن‌های پر برق و برق و معماری‌های تجملاتی محل سخنرانی رهبران دنیا از ذهنم گذشت و با مکتبی که برای نخستین‌بار در آن بودم مقایسه کردم. حسینه‌ای ساده با زیربانازهای آبی ساده و صندلی‌های ساده. همه چیز ساده، جز یک چیزی؛ آن هم احساسی بود که برای دیدار داشتی. اصلا نمی‌شد آن را ساده گرفت. از قاب تلویزیون و عکس‌ها که قبلا می‌دیدیم حس خاصی سراغت می‌آمد. حالا که دیگر قرار بود از چند متری تجربه کنی. صندلی‌ها کاملا پر شده بود. از جنب و جوش محافظان و عوامل اجرایی فهمیدم موعد دیدار نزدیک است. حدود ساعت ۱۱ صبح بیست و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ بالاخره برایم پرده‌ها کنار رفت و آن رؤیا تبدیل به واقعیت شد. «تا دگر سرور نناز به آفرینان خویش سخنی با وی از آن قامت و زمان بدگو» آیاتی از کلام خدا قرانت شد و وزیر آموزش و پرورش گزارشی از عملکرد این وزارتخانه ارائه کرد. تمام هم می‌دانست که دیگر طایقتان طاق شده و تمام وجودمان انتظار است برای شنیدن صدای دوست از آن فاصله کم. حضرت آقا لب گشودند و سخن آغاز شد. اگر بگویم گاه گاهی برای چند ثانیه غافل می‌شدم و محو تماشای ایشان، گزارف نیست.

ادامه در صفحه ۶

تاریخ

نیما ارزانی: تنکابن تاریخی که شامل ۳ شهرستان تنکابن، رامسر و عباس‌آباد فعلی است، از دیرباز مهد علم و دانش و جغرافیای پرورش استعداد‌های نابی بوده است که نام این بزرگمردان، در جای جای صفحات تاریخ ایران عزیز به چشم می‌خورد.

یکی از بزرگان منطقه رامسر، آیت‌الله شیخ محمدتقی نحوی، تولیت و بنیانگذار حوزه علمیه المهدی (عج) رامسر است که در کوران‌های مختلف حیات خویش، با تصدی نقش‌های مختلف در لوای خدمت به دین اسلام، کوتاهی و خستگی به خود راه نداد.

نگارنده، مفتخرم بیش از ۵ سال توفیق بهره‌مندی از خرم‌نشین این آسوده زهد و تقوا را داشته‌ام و در پی آن بودم که در سالگرد ایشان، در یادداشتی ضمن تقریبا در اسرار گرفته بودند به واسطه قرار داد تنباکو؛ در ماهین شاه جان و انگلیسی‌ها بوده‌است، به هم می‌زند و یک قدرت این طوری دارد او».

مرحوم میرزای شیرازی شب چهارشنبه بیست‌و چهارم شعبان ۱۳۱۲ هـ.ق. در حالی که ۸۲ سال از عمر گرانی‌هایش می‌گذشت، در سامرا دار فانی را وداع گفت و پیکر مطهرش پس از تشییع در کربلا و سپس نجف، در حرم امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

میرزای شیرازی در طول حیات پابرجا خود، اقدامات و خدمات ارزنده‌ای برای مردم و دین انجام دادند که یکی از این اقداماتشان، پرورش شاگردانی بود که خود به مقامات والای استادی رسیدند و این سلسله را امتداد دادند. یکی از شاگردان ویژه میرزای بزرگ، عارف بزرگ محمدتقی الهیان تنکابنی است که شرح پیوسته به میرزادانستان جالبی دارد. علامه آقابزرگ تهرانی (صاحب کتاب شریف‌الدریعه) درباره ایشان اینگونه نقل می‌کند: «مرحوم شیخ محمدتقی تنکابنی، مشتاق زیارت عتبات عالیات بود اما مدتی بود که از تشرّف به زیارت مایوس گردید. شبی در عالم خواب مشاهده می‌کند به زیارت مشرف شده و سپس خدمت میرزای شیرازی در سامرا رسیده است و میرزا به او می‌گوید: می‌خواهی برگردی به بمانی؟ اگر می‌مانی، فلان مبلغ ماهیانه تعیین نمودم از خواب بیدار می‌شود. چندی بعد وسایلی سفر آماده و به عتبات مشرف می‌شود، خدمت میرزای شیرازی در سامرا می‌رسد و بعد از تعارفات و احوال‌پرسی، میرزا می‌فرمانند: اگر می‌خواهی بمانی به تو بگویم. شیخ محمدتقی از جمله میرزا، خواب را به یاد می‌آورد. طی مدتی که محمدتقی در سامرا بود، خدمتکار میرزای شیرازی ماهانه همان مبلغی را که میرزا در عالم خواب گفته بود به وی پرداخت می‌کرد.

شیخ محمدتقی الهیان تنکابنی، دانشمندی عالیقدر و نویسنده‌های فاضل بود. وی در رامسر به دنیا آمد و

دنیا همه را فریب داد و تو دنیا را

شرحی بر احوالات سلسله شاگردان میرزای شیرازی ۱/

اماهمان طور که اشاره شد یکی از نقاط عطف و مهم تاریخ معاصر ایران، تحریم تنباکو است که سند گویایی بر رهبری روحانیت مبارز و مقاومت و همبستگی مردم متعهد این سرزمین در پاسداری از ارزش‌های اسلامی و دفاع از استقلال و آزادی است. نقش میرزای بزرگ شیرازی اعلی الله مقامه‌الشریف در این حرکت بزرگ، انکارناپذیر است؛ چنانکه امام خمینی رحمت‌الله علیه در این باره فرمودند: «آن مرحوم (میرزای بزرگ) که در سامرا تنباکو را تحریم کرد، برای این بود که ایران را تقریبا در اسرار گرفته بودند به واسطه قرار داد تنباکو؛ در ماهین شاه جان و انگلیسی‌ها بوده‌است، به هم می‌زند و یک قدرت این طوری دارد او».

مرحوم میرزای شیرازی شب چهارشنبه بیست‌و چهارم شعبان ۱۳۱۲ هـ.ق. در حالی که ۸۲ سال از عمر گرانی‌هایش می‌گذشت، در سامرا دار فانی را وداع گفت و پیکر مطهرش پس از تشییع در کربلا و سپس نجف، در حرم امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

میرزای شیرازی در طول حیات پابرجا خود، اقدامات و خدمات ارزنده‌ای برای مردم و دین انجام دادند که یکی از این اقداماتشان، پرورش شاگردانی بود که خود به مقامات والای استادی رسیدند و این سلسله را امتداد دادند. یکی از شاگردان ویژه میرزای بزرگ، عارف بزرگ محمدتقی الهیان تنکابنی است که شرح پیوسته به میرزادانستان جالبی دارد. علامه آقابزرگ تهرانی (صاحب کتاب شریف‌الدریعه) درباره ایشان اینگونه نقل می‌کند: «مرحوم شیخ محمدتقی تنکابنی، مشتاق زیارت عتبات عالیات بود اما مدتی بود که از تشرّف به زیارت مایوس گردید. شبی در عالم خواب مشاهده می‌کند به زیارت مشرف شده و سپس خدمت میرزای شیرازی در سامرا رسیده است و میرزا به او می‌گوید: می‌خواهی برگردی به بمانی؟ اگر می‌مانی، فلان مبلغ ماهیانه تعیین نمودم از خواب بیدار می‌شود. چندی بعد وسایلی سفر آماده و به عتبات مشرف می‌شود، خدمت میرزای شیرازی در سامرا می‌رسد و بعد از تعارفات و احوال‌پرسی، میرزا می‌فرمانند: اگر می‌خواهی بمانی به تو بگویم. شیخ محمدتقی از جمله میرزا، خواب را به یاد می‌آورد. طی مدتی که محمدتقی در سامرا بود، خدمتکار میرزای شیرازی ماهانه همان مبلغی را که میرزا در عالم خواب گفته بود به وی پرداخت می‌کرد.

شیخ محمدتقی الهیان تنکابنی، دانشمندی عالیقدر و نویسنده‌های فاضل بود. وی در رامسر به دنیا آمد و

تهیه نمودند و با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری کردند و با وجود آنکه هزاران تومان وجوهات به ایشان داده می‌شد مع‌ذلک به هیچ وجه در آن تصرف نمی‌کردند و در دوران زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی همه وجوهات را به ایشان می‌پرداختند.

آیت‌الله شیخ موسی روحانی تنکابنی (متولد ۱۳۰۵ خورشیدی) که خود از شاگردان آیت‌الله الهیان بوده برای نگارنده نقل می‌کند: «در ایامی که بنده در قم به آیت‌الله العظمی بروجردی به قم می‌آمدم، در منزل ما می‌مانند و بین ما و استادمان، انس‌والقنی بود. در یکی از سفرها که به قم آمدم، بعد از استراحت به من گفتند به متعلقه بگویند: این عیبی من را بدوز، سوراخ شده است! عبا را به حاج‌خانم دادم کار وصله عبا را انجام دهند که ایشان گفتند: عبا از بس رفو و پاره شده، پارچه دیگر قابل رفو نیست که شیخ‌علی اکبر تسمی کردند و گفتند: مشکلی نیست گره بزیند. اینگونه با وجود آن همه وجوهاتی که در دستان ایشان بود، با این چنین زهد و تقوایی، امانت‌دار مال امام زمان (عج) بود و هیچ مصرفی برای خود نمی‌نمود.»

حاج شیخ عبدالحسین عترتی کوشالی لاهیجی (۱۳۶۱ - ۱۲۹۰ قمری) ساکن لاهیجان در نقلی زیبا می‌فرمودند: «آن مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوا و هوس‌ها را از خود دور کردم و هیچ آملی در من وجود ندارد». لاهیجی در جایی دیگر نیز نقل کرد: «حدود ۱۳۷۰ هجری قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما آمدند. آن شب در اتاق، کک زیاد بود به حدی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشید، آفتاب‌های را با زانوی خود کشید و فرمود چرا این حیوان کک‌ها از اتاق خارج شدند و مدت‌ها در آن اتاق کک مشاهده نکردید.»

علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی همچنین حکایت می‌کند مرحوم شیخ‌محمدتقی قزوینی خراسانی (خواهرزاده مرحوم الهیان) برایم نقل کرد: «مرحوم الهیان به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مشرف شد و به منزل من وارد شد، موقع خواب برایش رختخواب گذاشتم و از اتاق خارج شدم. پس از چند ساعت جهت انجام کار یک بنان اتاق رفتم، دیدم مرحوم الهیان نشسته و زانو را در بغل گرفته است. گفتم: آقا دلد! رختخواب گذاشتم، چرانمی‌قولید؟ فرمود: پا را که برای خواب دراز کردم، متوجه شدم به طرف حضرت علی بن موسی (ع) است. به این طرف برگردم، دیدم به سوی عکس آقای بروجردی است که یک مرتبه شمایلیش در مقابلم مجسم شد، لذا به احترام حضرت رضاع (ع) و آقای بروجردی که سید جلیل‌القدری است اینطور استراحت می‌کنم. من نیز فوری جای ایشان را تغییر دادم.»

همچنین نقل شده است هر وقت آیت‌الله شیخ‌علی اکبر الهیان تنکابنی به قم می‌آمد، با حضرت امام در گوشه‌ای از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) خلوت می‌کردند و دقایقی به گفت‌وگو می‌پرداختند و الهیان شخصیتی بود که حضرت امام به او علاقه خاصی داشت.